



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



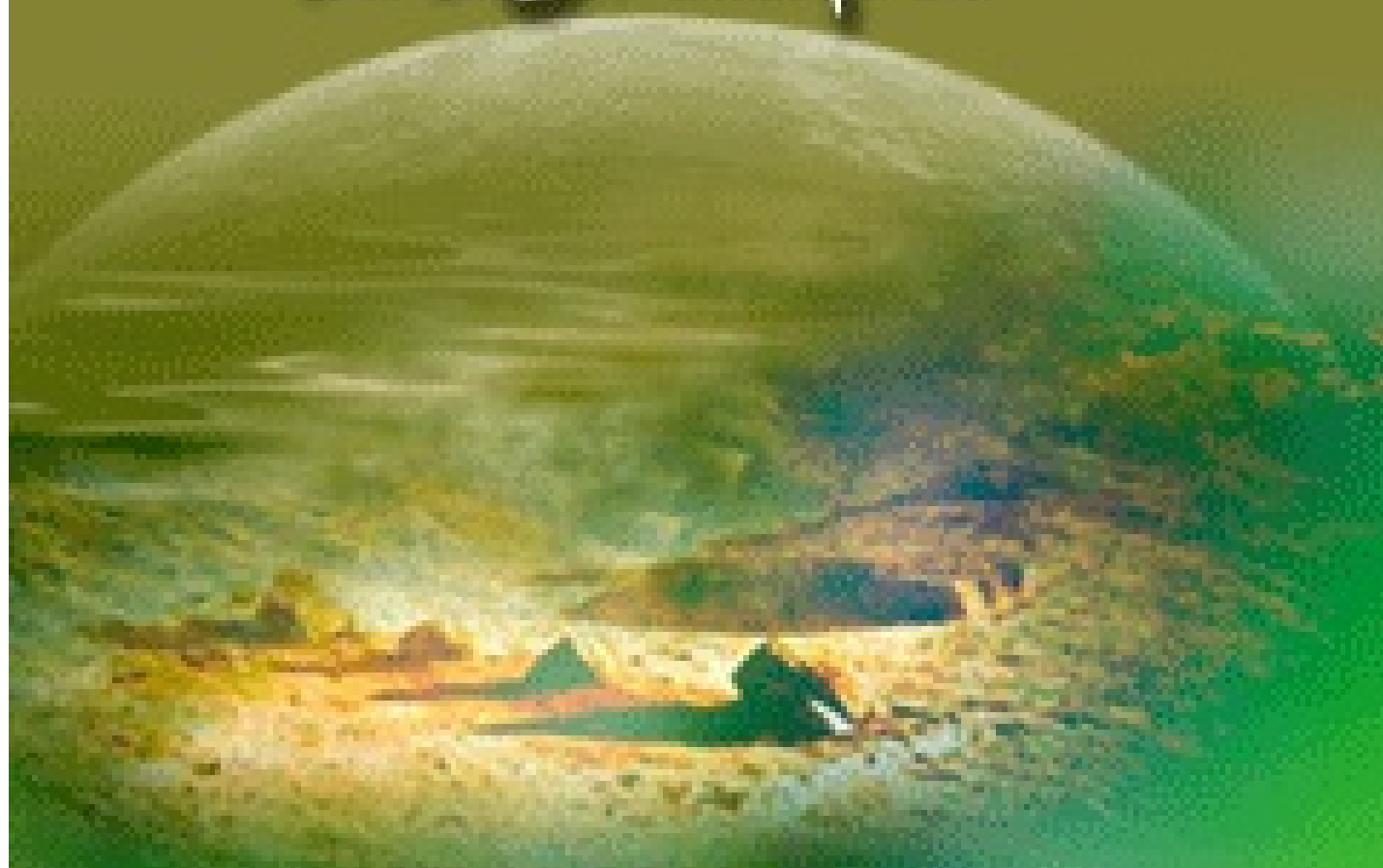
الحق الرحیم
علیه صلی الله علیه و آله

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

امامان اهل بیت علیهم السلام

در گفتار اهل سنت

امام صادق علیه السلام



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امامان اهل بیت علیهم السلام در گفتار اهل سنت قسمت مربوط به امام صادق علیه السلام

نویسنده:

داود هامی

ناشر چاپی:

مکتب اسلام

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	امامان اهل بیت علیهم السلام در گفتار اهل سنت (امام صادق علیه السلام)
۸	مشخصات کتاب
۸	فضائل امام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام
۸	مالک بن انس (۱۷۴ - ۹۰ هـ)
۱۰	ابوحنیفه، نعمان بن ثابت کوفی (۱۵۰ - ۸۰ هـ)
۱۲	عبدالله بن المقفع (۱۴۵ - ۱۰۹ هـ)
۱۲	عبدالکریم بن ابی العوجاء (مقتول ۱۵۵ هـ)
۱۲	ابوالحارث اللیث بن سعد (۱۷۵ - ۹۴ هـ)
۱۴	عمرو بن ابی المقدم
۱۴	سفیان بن سعید الثوری (متوفی ۱۶۱ هـ)
۱۴	ابن حجر عسقلانی (۸۸۲ - ۷۳۳ هـ)
۱۴	منصور دوانیقی دومین خلیفه ی عباسی
۱۵	عبدالرحمن بن الجوزی (متوفی ۵۹۷ هـ)
۱۵	ابن حجر هیثمی (متوفی ۹۷۳ هـ)
۱۵	احمد بن عبدالله ابونعیم (۴۰۲ - ۳۳۴ هـ)
۱۶	عمر بن بحر، الجاحظ (متوفی ۲۵۵ هـ)
۱۶	عبدالرحمن بن محمد بن علی، بسطامی حنفی (متوفی ۸۵۸ هـ)
۱۶	کمال الدین محمد بن طلحه ی شافعی (متوفی ۶۲۵ هـ)
۱۸	احمد بن محمد ابن ابراهیم ابن خلکان (متوفی ۶۸۱ هـ)
۱۹	محمد بن احمد، ابن حبان شافعی (متوفی ۳۵۴ هـ)
۱۹	محمد بن ادريس الحنظلی (ابوحاتم الرازی) (متوفی ۲۷۷ هـ)
۱۹	عبدالله بن اسعد الیافعی (۷۵۵ - ۶۹۸ هـ)
۲۱	محمد بن ابی القاسم عبدالکریم بن احمد شهرستانی (۵۴۸ - ۴۶۷ هـ)

- ٢١ محمد بن طاهر بن علي، المقدسي (متوفى ٥٠٧ هـ)
- ٢٢ عطار نيشابوري (٦٢٧ - ٥١٣ هـ)
- ٢٤ عبدالرحمن بن محمد بن خلدون (متوفى ٨٠٨ هـ)
- ٢٤ فضل الله بن روزبهان خنجي اصفهاني (م ٩٢٧)
- ٢٨ حافظ حسين كربلائي تبريزي (م ٩٩٤ هـ)
- ٣٠ احمد بن يوسف القرمانى ابوالعباس (متوفى ١٠١٩)
- ٣١ جمال الدين الداوردى
- ٣١ سيد امير على هندى
- ٣٢ ابوالمظفر يوسف شمس الدين
- ٣٢ شيخ ابوعبدالرحمن السلمى (متوفى ٤١٢ هـ)
- ٣٢ احمد حسن الباقورى
- ٣٢ شهاب الدين محمد بن احمد الابشهى (متوفى ٨٥٠ هـ)
- ٣٣ محمد أمين البغدادى السويدى (متوفى اوائل قرن سيزدهم)
- ٣٤ عبدالحى بن العماد الحنبلى (متوفى ١٠٨٩ هـ)
- ٣٤ عبدالرحمن الشرقاوى
- ٣٦ شيخ يوسف بن اسماعيل النبهاني (١٣٥٠ - ١٢٦٥)
- ٣٦ شيخ محمد بن على بن زين العابدين مناوى قاهرى شافعى (١٠٣١ - ٩٥٢ هـ)
- ٣٧ عبدالعزيز سيد الأهل
- ٤٠ احمد عبدالجواد الدومى
- ٤٠ صالح بن محمد الحجازى
- ٤٢ احمد بن تيميه الحراني (متوفى ٧٢٨ هـ)
- ٤٣ يوسف بن تغرى بردى بن عبدالله الظاهرى الحنفى ابو المحاسن جمال الدين (٨٧٤ - ٨١٣)
- ٤٣ مير شمس الدين محمد سامى الارنبورى الرومى (متوفى ١٣٢٢ هـ)
- ٤٤ على بن سلطان محمد الهروى القارى الحنفى (نورالدين) (متوفى ١٠١٤)
- ٤٤ خيرالدين الزركلى
- ٤٥ سيد مؤمن بن سيد حسن مؤمن شيلنجى شافعى (متولد ١٢٥٠ هـ)

- ۴۵ محمد بن عبدالباقي زرقاني (متوفای ۱۱۲۲ هـ)
- ۴۵ عبدالله شبراوی قاهری شافعی (متوفی ۱۱۷۲ هـ)
- ۴۶ محمد بن محمد بن علی، شافعی جزری (متوفی ۸۳۳ هـ)
- ۴۷ دکتر احمد امین مصری (معاصر)
- ۴۷ السيد محمد صادق
- ۴۷ بطرس بن بولس البستاني مسیحی (متوفی ۱۸۸۳ یا ۱۸۸۷ میلادی)
- ۴۹ دکتر کامل مصطفی شیبی (معاصر)
- ۵۰ پاورقی
- ۵۵ درباره مرکز

امامان اهل بیت علیهم السلام در گفتار اهل سنت (امام صادق علیه السلام)

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: امامان اهل بیت علیهم السلام در گفتار اهل سنت / تحقیق و نگارش داود الهامی ، - ۱۳۱۶

مشخصات نشر: مکتب اسلام ، ۱۳۷۷.

مشخصات ظاهری: ص ۵۲۸

شابک: ۹۶۴-۹۱۵۵۰-۰۷-۱۲۵۰۰ ریال ؛ ۹۶۴-۹۱۵۵۰-۰۷-۱۲۵۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس

موضوع: ائمه اثناعشر -- فضائل

موضوع: ائمه اثناعشر -- احادیث اهل سنت

رده بندی کنگره: BP۳۶/۵ الف ۷ الف ۸

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵

شماره کتابشناسی ملی: م ۷۷-۱۵۹۰۵

فضائل امام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام

مالک بن انس (۱۷۴ - ۹۰ هـ)

فقیه معروف مدینه و امام مذهب مالکی از مذاهب چهار گانه ی اهل سنت و کتاب «الموطأ فی الفقه الأحمدي» که اساس مذهب مالکی و یکی از صحاح سته ی اهل سنت است، از تألیفات او است، او درباره ی امام صادق علیه السلام گفته است:

«جعفر بن محمد اختلفت الیه زمانا فما كنت أراه الا علی احدى ثلاث خصال: اما مصل، و اما صائم، و اما یقرء القرآن [۱] و ما رأته عین و لا سمعت اذن و لا خطر علی قلب بشر أفضل من جعفر بن محمد الصادق علما و عباده و ورعا» [۲].

«مدتی نزد جعفر بن محمد رفت و آمد می کردم او را پیوسته در یکی از سه حالت دیدم: یا در حال نماز بود و یا در حال روزه و یا این که مشغول قرائت قرآن بود. مردی افضل و برتر از جعفر بن محمد صادق علیه السلام از نظر علم و عبادت و تقوا هرگز چشمی ندیده و گوشی نشنیده و به قلبی خطور نکرده است» .

«كنت آتى جعفر بن محمد و كان كثير التبسم فاذا ذكر عنده النبي اخضر و اصفر و ما رأيته قط يحدث عن رسول الله صلى الله عليه و آله الا على طهاره [٣] و لا يتكلم فيما لا يعنيه و كان من العباد و

الزهاد الذين يخشون الله» [۴].

«نزد جعفر بن محمد می آمدم او همواره تبسمی بر لب داشت هر وقت نام مبارک پیامبر نزد او برده می شد، رنگش دگرگون گاهی زرد و گاهی سبز می شد و هرگز بدون وضو حدیث از

[صفحه ۳۴۴]

رسول خدا نقل نمی فرمود. درباره ی چیزی که فائده نداشت، صحبت نمی کرد. او از عباد و زهادی بود که از خدا می ترسند» .

گویند وقتی «انس» احادیثی از امام صادق علیه السلام نقل می کرد، می گفت: موثق ترین و معتبرترین مردم «جعفر بن محمد علیه السلام» به من فرمود [۵].

ابوحنیفه، نعمان بن ثابت کوفی (۱۵۰ - ۵۸۰ هـ)

«ابوحنیفه» معروف به «امام اعظم» امام مذهب حنفی، یکی از مذاهب چهارگانه ی اهل سنت درباره ی امام صادق علیه السلام چنین می گوید:

«ما رأیت أفتقه من جعفر بن محمد لما أقدمه المنصور بعث الی فقال: یا اباحنیفه ان الناس قد افتتنوا بجعفر بن محمد فهی ء له من المسائل الشداد فهیات له اربعین مسأله ثم بعث الی ابوجعفر و هو بالحیره فاتیته فدخلت علیه و جعفر بن محمد جالس عن یمینه، فلما ابصرت به دخلتني من الهیبه لجعفر بن محمد الصادق ما لم یدخلنی لأبی جعفر، ...» [۶].

«من هرگز فقیه تر از جعفر بن محمد ندیده ام. چون «منصور» خلیفه ی عباسی به این حدود آمد، دنبال من فرستاد و گفت: مردم به جعفر بن محمد علیه السلام علاقمند شده اند میل دارم برای او مسائلی که بسیار مشکل باشد، در نظر بگیری. من هم چهل مسأله از مسائل مشکل را جمع آوری کردم بعد منصور که در «حیره» بود، به دنبال من فرستاد و به نزد او رفتم. و داخل مجلس شدم دیدم جعفر بن محمد طرف راست او نشسته است و چون نظرم

به او افتاد هیبت جعفر بن محمد علیه السلام بیش از منصور وجودم را فرا گرفت و سلام کردم. منصور محلی را به من نشان داد نشستم سپس رو به جعفر بن محمد علیه السلام کرد و گفت: یا ابا عبدالله این مرد «ابوحنیفه» است.

[صفحه ۳۴۵]

جعفر بن محمد علیه السلام فرمود: بلی او را می شناسم. سپس منصور به من گفت: ای ابوحنیفه از مسائلی که داری بر ابوعبدالله عرضه کن من یک یک آن مسائل را طرح کردم و او جواب می داد و می گفت: شما در این مسأله این طور می گوئید و اهل مدینه این طور و ما این طور می گوئیم، در بعضی از مسائل ممکن است تابع شما و در بعضی دیگر نظر اهل مدینه را بپذیریم و احياناً ممکن است مخالف نظر یکی از شما و اهل مدینه یا هر دو شویم. من تمام آن چهل مسأله را طرح کردم و حتی یکی از آنها را بلا جواب نگذارد.

«ثم قال ابوحنیفه: السنا روينا أن أعلم الناس أعلمهم باختلاف الناس»؟

«سپس ابوحنیفه گفت: مگر نه آن است که هر کس به اختلاف آرای مردم آگاهتر است اعلم مردم است؟!». .

«ابوحنیفه» می گوید:

«لولا السنتان لهلك نعمان»: «اگر آن دو سال نبود، نعمان هلاک می شد» .

«هذا ابوحنیفه و هو من أهل السنه يفتخر و يقول بأفصح لسان لولا السنتان لهلك نعمان» .

«آلوسی» می گوید: «این امام اعظم ابوحنیفه است که افتخار می کند و با زبان فصیح می گوید: اگر آن دو سالی که در خدمت امام جعفر صادق علیه السلام نشستم، نبود نعمان بن ثابت - یعنی خودش - هلاک

می شد» [۷].

عبدالله بن المقفع (۱۴۵ - ۱۰۹ هـ)

«ابن مقفع»، از مشاهیر ادبا و فصاحت با این که از شهر «مرو» از بلاد فارس بود، ولی به هر دو زبان فارسی و عربی در نهایت فصاحت و بلاغت سخن می راند، رسائل و منشآت وی ما بین منشیان عرب مشهور و حکم و امثال

[صفحه ۳۴۶]

و کلمات حکیمانه ای از وی مأثور است او کتابهای زیادی از پارسی به عربی ترجمه کرده و به همین دلیل از مترجمین معروف عرب به شمار می رود. او درباره ی امام صادق علیه السلام می گوید:

«لا- واحد من هؤلاء - مشیرا الی الذین یطوفون حول البیت - یتحق اسم انسان الی هذا الشیخ الجالس - و اشار الی الامام الصادق علیه السلام - اما غیره فرعاح و بهائم» [۸].

«کسی از این مردم (اشاره به مردمی که در حال طواف بودند کرد) شایسته ی لقب انسانیت نیست جز آن پیرمردی که نشسته است، (اشاره به امام صادق علیه السلام کرد)».

عبدالکریم بن ابی العوجاء (مقتول ۱۵۵ هـ)

«ابن ابی العوجاء» از زنداغه و ملاحظه ی عرب عهد امام صادق علیه السلام و از شاگردان «حسن بصری» بود. درباره ی امام صادق علیه السلام می گوید:

«ما هذا ببشر و ان کان فی الدنیا روحانی یتجدد اذا شاء و یتروح اذا شاء فهو هذا و أشار الی الصادق علیه السلام» [۹] این - امام صادق - بشر نیست.

«اگر در دنیا کسی وجود داشته باشد که بتواند هر وقت خواست در قالب جسد و هر وقت خواست در قالب روح جلوه کند او این مرد - یعنی امام صادق علیه السلام - است».

ابوالحارث الیث بن سعد (۱۷۵ - ۹۴ هـ)

امام اهل مصر بود که شافعی او را فقیه تر از «مالک بن انس» می دانست. [۱۰].

[صفحه ۳۴۷]

او در رابطه با کرامات حضرت صادق علیه السلام چنین می گوید:

«حجبت سنه ثلاث عشره و مآه. فلما صلیت العصر رقیت اباقیس و اذا برجل جالس یدعو، فقال (یارب) حتی انقطع نفسه ثم

قال: (اللهم يا حي) حتى انقطع نفسه. ثم قال: اللهم انى اشتهى العنب فأطعمينه، اللهم و ان بردى قد خلقا فاكسنى. فوالله ما استتم كلامه حتى نظرت الى سله مملوه عنبا و ليس على الأرض يومئذ عنب و اذا بيردين موضوعين و لم أر مثلهما فى الدنيا فاتزر بأحدهما و ارتدى بالآخر. ثم أخذ البردين اللذين كانا عليه فلقيه رجل بالمسعى فقال: أكسنى يا ابن بنت رسول الله صلى الله عليه و آله مما كساك الله فدفعتها اليه. فقلت للذى أعطاه البردين من هذا قال: جعفر بن محمد عليه السلام» [١١].

در سال ١١٣ به حج مشرف شدم. چون نماز عصر را خواندم بالای کوه «ابوقبيس» رفتم در آنجا مردی را دیدم نشسته دعا می کند آنقدر (یارب) گفت که

نفسش قطع شد سپس چندان (اللهم یا حی) گفت تا نفسش برید، سپس گفت: خدایا هوس انگور کرده ام به من انگور برسان خدایا لباسم کهنه شده مرا بپوشان. به خدا قسم هنوز کلامش تمام نشده بود که ظرفی پر از انگور در مقابلش دیدم در صورتی که آن موقع در روی زمین انگور نبود و دو قطعه پارچه که مثل آنها را در دنیا ندیده بودم یکی را لنگ کرد و دیگری را به شانه انداخت. سپس آن لباسی که قبلاً داشت، با خود برداشت و راهی «مسی» شد در آنجا مردی با او ملاقات کرد و گفت: ای پسر دختر پیامبر مرا با لباسی که خداوند تو را ارزانی داشته، بپوشان آن دو پارچه را به وی داد و من از او پرسیدم این شخص کیست؟ گفت: جعفر بن محمد علیه السلام.

[صفحه ۳۴۸]

عمرو بن ابی المقدام

می گوید: «كنت اذا نظرت الى جعفر بن محمد علمت انه من سلالة النبیین» [۱۲].

«یعنی: هر گاه به محمد بن جعفر علیه السلام می نگریستم یقین پیدا می کردم که او از نسل پیغمبران است».

سفیان بن سعید الثوری (متوفی ۱۶۱ هـ)

به گفته ی «ابن خلکان» سفیان در حدیث و علوم دیگر امام و پیشوا بوده و تمامی مردم - اهل سنت - به دیانت و ورع و زهد و وثاقت وی متفق هستند [۱۳] او که از اهل کوفه و مردی صوفی و عامی بود، درباره ی امام صادق علیه السلام می گوید:

«دخلت علی جعفر بن محمد رضی الله عنه فقال لی: یا سفیان، اذا كثرت همومك فأكثر من لا- حول و لا- قوه الا بالله العلی العظیم. و اذا تداركت علیك النعم فأكثر من الحمد لله. و اذا ابطأ عنك الرزق فأكثر من الاستغفار» [۱۴].

«به خدمت جعفر بن محمد علیه السلام شرفیاب شدم به من فرمود: ای سفیان، هنگامی که حزن و اندوه دامنگیر تو شد، (لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم) را زیاد بگو و اگر نعمت زیاد برایت فراهم شد، ذکر (الحمد لله) را زیاد کن و اگر روزیت به تأخیر افتاد زیاد استغفار کن».

ابن حجر عسقلانی (۸۸۲ - ۷۳۳ هـ)

در مورد امام جعفر صادق علیه السلام می نویسد:

«جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب» فقیه صدوق» [۱۵].

«جعفر بن محمد علیه السلام فقیه بسیار راستگو بود».

[صفحه ۳۴۹]

منصور دوانیقی دومین خلیفه ی عباسی

درباره ی او گفت:

«ان جعفر كان ممن قال الله فيه (ثم أورثنا الكتاب الذين اصطفينا من عبادنا) و كان ممن اصطفاه الله و كان من السابقين في الخيرات و انه ليس من أهل بيت الا و فيهم محدث و ان جعفر بن محمد محدثنا اليوم» [۱۶].

«جعفر بن محمد (امام صادق عليه السلام) از کسانی است که خداوند درباره ی او فرموده: (سپس این کتاب (آسمانی) را به گروهی از بنندگان برگزیده ی خود به میراث دادیم) او از کسانی است که خداوند او را برگزیده و در سبقت گیرندگان در امور خیر است. در هر دوره از خاندان نبوت حتما یک محدث باید باشد و جعفر بن محمد علیه السلام محدث زمان ما است.»

«وقتی که با امام صحبت می کرد، می گفت: ای اباعبدالله ما همیشه از دریای علم تو توشه بر می گیریم و به سوی تو می آئیم و چون نزدیکتر می شویم از کوری و بی بصیرتی خارج شده و تاریکیهای ما به نور تو روشن می گردد.»

عبدالرحمن بن الجوزی (متوفی ۵۹۷هـ)

مفسر، واعظ، محدث حافظ علامه عصر، و امام وقت خود، درباره ی امام چنین گفته:

«جعفر بن محمد بن علی بن الحسین كان مشغولا بالعبادة عن حب الرياسة» [۱۷].

«جعفر بن محمد به دلیل اشتغال به عبادت، حب ریاست را در بوتة ی فراموشی سپرده بود.»

[صفحه ۳۵۰]

ابن حجر هیثمی (متوفی ۹۷۳هـ)

مفتی حجاز و فقیه شافعی مؤلف «الصواعق المحرقة» چنین گوید:

«أفضلهم و أكملهم جعفر الصادق و من ثم كان خليفته (ای الباقر) و وصيه و نقل الناس عنه من العلوم ما سارت به الركبان و انتشر صيته في جميع البلدان روى عنه الأئمة الأكابر» [۱۸].

او در صواعق می نویسد: «أفضل و أكمل فرزندان امام باقر علیه السلام جعفر صادق است و لذا جانشین و وصی او بود مردم به اندازه ای از وی نقل علوم کردند که در تمام نقاط دنیا منتشر شده و شهرتش سرتاسر جهان را فرا گرفت.»

و بزرگان ائمه ی مانند: «یحیی بن سعید؛ ابن جریح؛ مالک؛ سفیان ثوری؛ سفیان بن عیینه؛ ابوحنیفه؛ شعبه و ایوب سجستانی» از او روایت کرده اند.

احمد بن عبدالله ابونعیم (۴۰۲ – ۳۳۴هـ)

«ابونعیم» معروف به «حافظ اصفهانی» از اکابر و اعلام محدثین و از اعظم ثقات حفاظ و مرجع استفاده ی بزرگان ایشان می

باشد. در حلیه الأولیاء، درباره ی امام صادق علیه السلام می نویسد:

«جعفر بن محمد الامام الناطق ذوالزمان السابق ابو عبدالله جعفر بن محمد الصادق أقبل علی العباده و الخضوع و آثر العزله و الخشوع و نهی عن الرئاسه و الجموع» [۱۹].

«یکی از آنها امام ناطق ابو عبدالله جعفر بن محمد الصادق علیه السلام است که به عبادت و خشوع روی آورد و عزلت و کناره گیری را ترجیح داده و از ریاست و اجتماع دوری گزید».

[صفحه ۳۵۱]

عمر بن بحر، الجاحظ (متوفی ۲۵۵ هـ)

کنیه اش «ابوعثمان» لقبش «جاحظ» از مشاهیر ادبا و فصحاء و بلغا بود. درباره ی امام صادق علیه السلام می نویسد:

«جعفر بن محمد، الذی ملأ الدنيا علمه و فقهه و یقال: طن أباحنیفه من تلامذته و كذلك سفیان الثوری، و حسبک بهما فی هذا الباب» [۲۰].

«جعفر بن محمد، آن کسی است که علم و فقهش دنیا را پر کرده است و گفته می شود که «ابوحنیفه» و همچنین «سفیان ثوری» از شاگردان او بودند و تلمذ این دو تن در اثبات عظمت علمی او کافی است».

عبدالرحمن بن محمد بن علی، بسطامی حنفی (متوفی ۸۵۸ هـ)

مؤلف کتاب «مناهج التوسل فی مباحج الترسل» می گوید:

«جعفر بن محمد، ازدحم علی بابہ العلماء، و اقتبس من مشکاه انواره الأصفیاء و کان یتکلم بغوامض الأسرار و علوم الحقیقه و هو ابن سبع سنین» [۲۱].

«جعفر بن محمد کسی است که علماء و دانشمندان بر در خانه اش هجوم می آوردند و نخبگان و برگزیدگان از مشکاه انوارش اقتباس می نمودند، او در حالی که هفت سال بیشتر از عمرش نگذشته بود، درباره ی غوامض اسرار و علوم حقیقی، صحبت می کرد».

کمال الدین محمد بن طلحه ی شافعی (متوفی ۶۲۵ هـ)

از اکابر و رؤسای علمای شافعی که در فقه و اصول و حدیث و علم خلاف و ترسل و انشاء به دیگران تفوق داشته در کتاب «مطالب السؤل فی

[صفحه ۳۵۲]

مناقب آل الرسول» درباره ی امام صادق علیه السلام می نویسد:

«جعفر بن محمد هو من علماء أهل البيت و ساداتهم ذو علوم جمه و عباده موفوره، و اوراد متواصله، و زهاده بينه و تلاوه كثيره يتتبع معانى القرآن و يستخرج من بحره جواهره و يستنتج عجائبه و يقسم اوقاته على أنواع الطاعات بحيث يحاسب عليها نفسه، رؤيته تذكر بالآخره، و استماع كلامه يزهد فى الدنيا و الاقتداء بهديه يورث الجنه، نور قسماته شاهد انه من سلاله النبوه، و طهاره أفعاله تصدع انه من ذريه الرساله، نقل عنه الحديث و استفاد منه العلم جماعه من أعيان الأمه و أعلامهم، مثل «يحيى بن سعيد الأنصارى، و ابن جريح و مالك بن انس، و الثورى، و ابن عيينه، و ايوب السجستاني و غيرهم» [۲۲].

«جعفر بن محمد از علمای اهل بیت و بزرگان آنها و دارای علوم بسیاری بود، عبادتش فراوان و اوراد و اذکار او دائم و زهد فوق العاده ای داشت و قرآن زیاد

تلاوت فرموده و در معانی آن تتبع می نمود و از دریای عمیق کتاب الهی گوهرهای گرانبهائی استخراج می فرمود و عجائب آن را روشن می ساخت و اوقات خود را به انواع عبادت تقسیم کرده بود که به وسیله ی آن از نفس خود حساب می کشید قیافه ی او انسان را به یاد آخرت می انداخت و استماع کلامش انسان را در دنیا رو گردان می نمود. و پیروی از او موجب رفتن به بهشت می گردید و چهره ی نورانی او نشان می داد که او ذریه ی رسول خدا صلی الله علیه و آله است، مناقب و فضائل او قابل شمارش نبود و از او روایات فراوانی نقل شده و جمع کثیری از بزرگان امت مثل «یحیی بن سعید انصاری، ابن جریح، مالک بن انس، سفیان ثوری، ابن عیینه و ایوب سجستانی» و غیر اینها از علوم او بهره ها بر گرفته اند.

[صفحه ۳۵۳]

احمد بن محمد ابن ابراهیم ابن خلکان (متوفی ۶۸۱ هـ)

که از مشاهیر مورخین و قضات و از علمای نامی قرن هفتم هجری، مؤلف کتاب «وفیات الأعیان» بود درباره ی امام صادق علیه السلام می نویسد:

«ابوعبدالله جعفر بن محمد الباقر بن علی زین العابدین بن الحسین بن علی ابن ابیطالب (رضی الله عنهم) أجمعین، أحد الأئمة الاثنی عشر علی مذهب الامامیه و کان من سادات آل البيت و لقب بالصادق لصدقه و فضله أشهر من أن یدکر و کان تلمیذه ابوموسی جابر بن حیان الصوفی الطرطوسی قد ألف کتابا یشتمل علی ألف ورقه تتضمن رسائل جعفر الصادق و هی خمسمأه رساله» [۲۳].

«او یکی از امامان دوازده گانه در مذهب امامیه و از بزرگان اهل بیت رسول خداست و از آن جهت به او صادق می گفتند که

گفتارش صادق بود و فضل و بزرگواری او مشهورتر از آن است که بیان آید. «ابوموسی جابر بن حیان طرطوسی» شاگرد او بود. «جابر بن حیان» کتابی تألیف کرده است مشتمل بر هزار ورق و پانصد رساله و این رساله ها از تعلیمات جعفر بن محمد صادق علیه السلام بود.

محمد بن احمد، ابن حبان شافعی (متوفی ۳۵۴ هـ)

از فقهاء و محدثین اواسط قرن چهارم و مؤلف کتاب «روضه العقلاء و نزهه الفضلاء» می باشد. و درباره ی امام صادق علیه السلام می نویسد:

«كان من سادات أهل البيت فقها و علما و فضلا يحتج بحديثه. و قد اعتبرت حديث الثقه عنه فرأيت احاديث مستقيم ليس فيها شيء يخالف الاثبات» [۲۴].

«از سادات و بزرگان اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله بود که فقهاء و علما و فضلا به احادیث او استناد می کنند و احادیثی را که ثقات روات از وی روایت کرده اند، بررسی کردم و نتیجه این شد که چیزی روایت نکرده است که با روایات صحاح مخالفت داشته باشد».

[صفحه ۳۵۴]

محمد بن ادريس الحنظلي (ابوحاتم الرازي) (متوفی ۲۷۷ هـ)

«ابوحاتم رازی» از اکابر علمای اهل سنت که در طبقه ی «بخاری» و نظائر وی بود و در فقه و اختلاف تابعین و صحابه تألیفات زیادی دارد درباره ی امام صادق علیه السلام گفته:

«جعفر الصادق ثقه لا يسأل عن مثله» [۲۵].

«جعفر صادق موثق است و وثاقت او چنان ثابت و روشن است که درباره ی او سؤال جایز نیست».

عبدالله بن اسعد اليافعي (۷۵۵ – ۶۹۸ هـ)

در کتاب «مرآة الجنان و عبره اليقظان» می نویسد:

«الامام السيد الجليل، سلاله النبوه و معدن الفتوه، ابو عبدالله جعفر الصفاق عليه السلام و إنما لقب بالصادق لصدقه في مقالته و له كلام نفيس في علوم التوحيد و غيرها. و قد ألف تلميذه «جابر بن حيان» الصوفي كتابا يشتمل على ألف ورقة يتضمن رسائله و هي خمسمائة رساله.. دفن بالبقيع في قبر قبه أبوه محمد الباقر، و جده زين العابدين و عم جده الحسن بن علي (رضوان الله عليهم أجمعين) و أكرم بذلك القبر و ما جمع من الأشراف الكرام أولى المناقب» [۲۶].

«امام و سید بزرگوار، سلاله ی رسول خدا صلی الله علیه و آله و معدن جوانمردی ابو عبدالله جعفر بن محمد صادق به علت

راستی و درستی گفتارش ملقب به «صادق» شده است و سخنان گهر باری در علوم توحید و غیر آن از وی بجا مانده است و شاگرد او «جابر بن حیان» صوفی کتاب تألیف کرده است که مشتمل بر هزار ورق است و متضمن پانصد نامه از امام صادق علیه السلام می باشد و در

[صفحه ۳۵۵]

بقیع در جوار قبر پدرش و جدش زین العابدین و عموی جدش حسن بن علی دفن شده است چه قبر با برکت و شرف و چه محل پاک و مقدس که مدفن اشراف بزرگوار و صاحبان مناقب

زیادی می باشند» .

محمد بن ابی القاسم عبدالکریم بن احمد شهرستانی (۵۴۸ – ۴۶۷ هـ)

از مشاهیر فقها و متکلمین اشعری و مؤلف کتاب معروف «الملل و النحل» نوشته:

«جعفر بن محمد الصادق هو ذو علم غزیر و أدب کامل فی الحکمه و زهد فی الدنیا و ورع تام عن الشهوات و قد أقام بالمدينه مدته یفید الشیعہ المنتمین الیه و یقبض علی الموالین له اسرار العلوم، ثم دخل العراق و أقام بها مدته، ما تعرض للإمامه قط، و لا نازع فی الخلافه أحدا، و من غرق فی بحر المعرفه لم یقع فی شط و من تعلا الی ذروه الحقیقه لم یخف من خط» [۲۷].

«دانش و آگاهی او در فرهنگ و مذهب فوق العاده زیاد بود او اطلاعات وسیعی در پیرامون مسائل حکمت داشت و از پرهیزگاری عظیمی برخوردار بود و از شهوات و هوسرانی ها پرهیز داشت او مدت زیادی در مدینه اقامت گزید و به شیعه که از او پیروی می کردند، بهره ی زیادی رسانید و دوستانش را از سرچشمه ی علوم غیبی بهره مند ساخت پس از آن رهسپار عراق شد و مدتی در آنجا اقامت گزید و با هیچ کس در امر امامت و خلافت به نزاع بر نخاست» .

آری آن کس که به بالاترین قله ی حقیقت رسیده باشد، بیمی از فرو افتادن ندارد.

شاهین همت تو که عنقا شکار کرد

کی کبک بال بسته به صید اعتبار کرد

او از جانب پدر به شجره ی نبوت متصل بود و از جانب مادر به «ابوبکر» نسبت داشت.

[صفحه ۳۵۶]

محمد بن طاهر بن علی، المقدسی (متوفی ۵۰۷ هـ)

معروف به «ابن القیسرانی» ملقب به «شمس الدین» از اکابر محدثان اوائل قرن ششم مؤلف کتاب «الجمع بین رجال الصحیحین»

«جعفر بن محمد الصادق و هو ابن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب الهاشمی (رضی

الله عنهم) و یکنی ابو عبدالله و امه أم فروه بنت القاسم بن محمد ابن ابی بکر الصدیق کان من سادات أهل البيت، سمع اباه و محمد بن المکندر و عطاء ابن ابی رباح روی عنه عبدالوهاب الثقفی و حاتم بن اسماعیل، و وهیب بن خالد، و حسن بن عیاش و سلیمان بن بلال و الثوری والدار وردی و یحیی بن سعید الأنصاری و حفص بن غیاث و مالک بن انس و ابن جریح» [۲۸].

«جعفر بن محمد صادق، فرزند علی بن حسین بن علی ابن ابیطالب هاشمی (رضی الله عنهم)» مکنی به «ابو عبدالله» مادرش «ام فرّوه» دختر «قاسم بن محمد بن ابوبکر صدیق» بود از بزرگان اهل بیت است و از پدرش و «محمد بن مکندر و عطاء بن ابی رباح» استماع حدیث کرد و از او «عبدالوهاب ثقفی و حاتم بن اسماعیل و وهیب بن خالد و حسن بن عیاش و سلیمان بن بلال و سفیان ثوری و داروردی و یحیی بن سعید انصاری و حفص بن غیاث و مالک بن انس و ابن جریح» حدیث روایت کرده اند. .

[صفحه ۳۵۷]

عطار نیشابوری (۶۲۷ - ۵۱۳ هـ)

«محمد بن ابراهیم» ملقب به «فریدالدین» معروف به «شیخ عطار» از اکابر و مشاهیر مشایخ صوفیه است و صاحب تألیفات زیاد از جمله «تذکره الأولیاء» است. وی در آغاز کتابش با وصف حال حضرت صادق علیه السلام به آن حسن مطلع بخشیده است و در وصف آن حضرت چنین می گوید:

«آن سلطان ملت مصطفوی؛ آن برهان حجت نبوی؛ آن عامل صدیق؛ آن عالم تحقیق؛ آن میوه ی دل اولیاء؛ آن جگر گوشه ی انبیا؛ آن ناقد علی؛ آن وارث نبی؛ آن عارف عاشق؛ جعفر الصادق؛ که گفته بودیم که

اگر ذکر انبیاء و صحابه و اهل بیت کنیم، کتابی جداگانه باید ساخت این کتاب شرح اولیاست که بعد از ایشان بوده است و چون از اهل بیت بود و سخن طریقت، او بیشتر گفته است و روایت از وی بیشتر آمده است، کلمه ی چند از آن بیاوریم که ایشان همه یکی اند چون ذکر او کرده اند ذکر همه بود. نینی قومی که مذهب او دارند، مذهب دوازده امام دارند؟ یعنی یکی دوازده است و دوازده یکی، اگر تنها صفت او گویم به زبان و عبارت من راست نیاید که در جمله علوم و اشارات و عبارات بی تکلف به کمال بود و قدوه ی جمله ی مشایخ بود و اعتماد همه بر وی بود و مقتدای مطلق بود هم الهیان را شیخ بود و هم محمدیان را امام و اهل ذوق را پیشرو، و هم اهل عشق را پیشوا و هم عباد را مقدم و هم زهاد را مکرم و هم صاحب تصنیف حقائق هم در لطائف تفسیر و اسرار تنزیل بی نظیر بود و از باقر بسیار سخن نقل کرده است.

عجب دارم از آن قوم که ایشان خیال بندند که اهل سنت و جماعت را با اهل بیت چیزی در راه است که اهل سنت و جماعت اهل بیت را، باید گفت به حقیقت و من آن نمی دانم که کسی در خیال باطل مانده است آن می دانم که هر که به محمد ایمان دارد و به فرزندان او ندارد، به محمد ایمان ندارد تا به حدی که «شافعی» در دوستی اهل بیت تا به حدی بوده که به رفضش نسبت کردند و

[صفحه ۳۵۸]

محبوس کردند و او در آن معنی شعری گفته است

و یک بیت آن این است:

لو كان رفضا حب آل محمد (صلى الله عليه و آله)

فليشهد الثقلان إني رافض [٢٩].

«اگر دوستی آل محمد صلی الله علیه و آله رفض به شمار آید، ثقلین - انس و جن - شاهد باشند که من رافضی هستم» .

عبدالرحمن بن محمد بن خلدون (متوفی ۸۰۸ هـ)

مورخ و جامعه شناس و فیلسوف اندلسی، مؤلف «مقدمه ی ابن خلدون» می گوید:

«و أعلم أن كتاب الجفر كان أصله ان هارون بن سعيد العجلي و هو رأس الزيديه كان له كتاب يرويه عن جعفر الصادق عليه السلام و فيه علم ما سيقع لأهل البيت عليهم السلام و على العموم و لبعض الأشخاص منهم على الخصوص وقع ذلك لجعفر و نظائره من رجالاتهم على طريق الكرامه و الكشف الذي يقع لمثلهم من الأولياء و كان مكتوبا عنه جعفر في جلد ثور صغير فرواه عنه هارون العجلي و كتبه و سماه الجفر باسم الجلد..» [٣٠].

«ابن خلدون درباره ی کتاب جفری که به امام صادق علیه السلام نسبت داده اند، می گوید: هارون بن سعید عجلی که رئیس زیدیه بود، کتابی داشت که آن را از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است. در آن کتاب آنچه بر عموم اهل بیت و برخی از ایشان روی خواهد داد، نوشته شده بود. این علوم بر امام جعفر صادق علیه السلام و سایر امامان از راه کشف و کرامت که خاص ایشان است، حاصل شده است. این کتاب بر پوست گاوین نوشته شده بود و نزد امام جعفر صادق علیه السلام وجود داشت. هارون عجلی آن را از آن بزرگوار روایت کرده و از آن نسخه ای نوشته است» .

[صفحه ۳۵۹]

فضل الله بن روزبهان خنجی اصفهانی (م ۹۲۷)

در شرح صلوات بر حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می نویسد:

«اللهم صل و سلم على الإمام السادس، المقرب السابق؛ المؤدب الموافق و المغيث للملهوفين عند الطوارق، الملتجى بحرز الله عند نزول كل طارق» .

«بار خدایا درود و صلوات فرست بر امام ششم. نزدیک گردانیده شده به حضرت حق تعالی و پیشی گیرنده در اعمال نیک (و

این اشاره بر

این که آن حضرت از مقربان حق تعالی و از سابقان است) او تربیت شده به آداب الهی است و آن حضرت فریادرس و یاری کننده ی ضعیفان و ناتوانان به هنگام نزول حوادث و بلیات است (و این اشاره است به رحم و عطوفت آن حضرت بر عاجزان چنانچه روایت کرده اند که هر کس را حادثه یا فقری در مدینه پیش آمدی، پناه به جوار لطف و احسان آن حضرت نمودی و از خوان کردم آن حضرت بهره ی وافی یافتی، چنانچه شیوه ی کریمه ی اهل بیت علیهم السلام) بوده. پناه جوینده به حرز و حفظ الهی به هنگام فرود آمدن هر بلا. (و این اشاره است به این که ابوجعفر دوانیقی قصد آن حضرت کرد و او پناه به حرز الهی برد و بر آن دشمن غدار غالب و فائق آمد) و حرز مشهور آن حضرت که به «حرز امام جعفر صادق علیه السلام» معروف است، اول آن این است: «ما شاء الله توجها الى الله، ما شاء الله تقربا الى الله، ما شاء الله تطفئا الى الله، ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله ...» .

«ابن روزبهان» بعد از نقل این فقره از آن حرز، می نویسد:

«و بحمدالله تعالی این فقیر ضعیف آن را یاد دارم و از او را د فقیر است که سالهاست بدان مواظبت می نمایم و تمام عمر در پناه آن حرز بحمدالله و حوله و قوته از شر اعداء مصون و محروسم» .

«الذی بین الحق و الباطل فارق؛ حجه الله القائمه علی کل زندیق و منافق؛ المعتصم بحول الله و قوته فی قتل کل خارجی مارق؛ المطلع علی اسرار الغیوب بتعلیم الله الخالق؛ العطوف علی کل محبوب مصادق ابی

و عمه بالبقیع» .

«آن حضرت جدا کننده ی حق از باطل است. او حجت خدا و برهان حق تعالی است که بر هر ملحد و منافق قائم شده است. آن حضرت چنگ زنده به حول و قوه ی الهی در کشتن هر خارجی که از دین بیرون رفته.

(و این اشاره است بدانچه روایت کرده اند که نوبتی یکی از خوارج نزد «مهدی عباسی» غیبت آن حضرت کرد و با مهدی گفت که جعفر بن محمد داعیه ی خروج دارد، نامه ها به اهل کوفه نوشته و با او بیعت کرده اند، مهدی گفت: تو در مقابل او این سخن می گوئی؟ گفت: بلی؛ و سوگند بر آن می خورم. «مهدی عباسی» امام را حاضر گردانید و آن خارجی را در مقابل آورد و خارجی در حضور امام آن تهمت را تکرار کرد. امام به او فرمود: سوگند می خوری که این سخن راست است؟ خارجی گفت: بلی؛! امام فرمود: بدان نوع که من سوگند می دهم تو را، سوگند یاد کن. فرمود: بگو از حول و قوه ی حضرت حق سبحانه و تعالی بیرون آمدم و به حول و قوت خود رفتم اگر این سخن که می گویم دروغ است، آن خارجی به همین عبارت سوگند یاد کرد فی الحال بیفتاد و به دوزخ رفت. «مهدی» دستور داد از پای مردار آن خارجی بکشیدند و بیرون بردند و از امام عذرخواهی کرد و او را روانه گردانید و چنین اثری غریب و کرامتی عجیب از آن حضرت ظاهر شد).

آن حضرت بر اسرار غیبی به تعلیم

خداوند آگاه است.

(و این اشاره است به اطلاع آن حضرت بر اسرار غیبی که ائمه ی هدی علیهم السلام هم به الهام و تعلیم الهی این علم را داشته اند چنانچه روایت کرده اند که یکی از محبان امام جعفر صادق علیه السلام گفت: من در بغداد بودم و «منصور» خلیفه ی عباسی قصد کرده بود که به حج برود. من به مکه آمدم به امام صادق علیه السلام عرض کردم که

[صفحه ۳۶۱]

منصور امسال قصد حج دارد آن حضرت فرمود: منصور کعبه را نمی بیند، چون موسم حج شد، منصور به عزم حج از بغداد بیرون آمد. من به امام جریان را عرض کردم فرمود: منصور کعبه را نمی بیند. چون به مدینه رسید، رفتم و دیگر بار تکرار کردم، همان سخن فرمود. چون از مدینه متوجه مکه شد، و نزدیک مکه رسید، مرا شکی پیدا شد چون به محل چاه میمون رسید که از آنجا تا مکه یک دو فرسخ است، شب در آنجا وفات کرد، صبح با عده ای به استقبال منصور رفتم و من درباره ی امام به تردید افتاده بودم. عده ای آمدند و خبر دادند که منصور دیشب فوت کرد. من باز گشتم و آن خبر را به اطلاع امام رساندم و درخواست کردم که برای من استغفار کند چون آن حضرت بر دستورتان خود رؤوف و مهربان بود جهت من استغفار نمود).

آن حضرت به غایت مهربان بود بر هر دوستی که مصادقت آن حضرت اختیار کرده بود.

(و این اشاره است بدانچه روایت کرده اند که آن حضرت شامل شیعه ی اهل بیت علیهم السلام را جمع فرمود و جهت ایشان مجلس درس دائر نمود و قبل از آن حضرت هرگز جماعت موالیان اهل بیت چنان نبوده اند که

در زمان آن حضرت ایشان را جمیعت بوده).

کنیت آن حضرت «ابوعبدالله» است. و او از طرف خداوند صاحب گوش شنونده است.

و سرانجام در مدینه ی منوره به درود حیات گفت و در قبرستان بقیع در کنار قبر عم بزرگوارش امام حسن علیه السلام و جد و پدرش مدفون گردید و تمامی در یک قبه مدفونند.

اللهم صل علی سیدنا محمد و آل سیدنا محمد سیما الإمام السادس

[صفحه ۳۶۲]

جعفر الصادق علیه السلام [۳۱].

حافظ حسین کربلائی تبریزی (م ۹۹۴ هـ)

درباره ی امام صادق علیه السلام می نویسد:

«ذكر الإمام الصادق الصديق؛ العالم الوثيق الحليم الشفيق؛ صاحب الشرف الرفيع و الحسب المنيع و الفضل الجمیع؛ المدفون بأرض البقیع؛ الإمام الممجد؛ ابی عبدالله جعفر بن محمد علیهما السلام» .

«وی امام ششم است از ائمه ی اثنی عشر، کنیت وی ابوعبدالله است لقب مبارکش صادق و فاضل، ولادت همایونش سنه ثمانین بالمدينه ... وفات حضرت جعفر علیه السلام در منتصف رجب سنه ی ثمان و اربعین و مائه» .

«و دفن بالبقیع فی قبر فیه أبوه و جده و عم جده و أكرم بذلك القبر و ما جمع من الأشراف الكرام ... و له كلام نفیس فی علوم التوحید و غیرها و قد أُلّف تلمیذه «جابر بن حیان» کتابا یشتمل علی ألف ورقه یتضمن رسائله و هی خمس مائه رساله، کذا فی تاریخ الیافعی» .

و قال فی کتاب کشف المحجوب:

یکی از ائمه ی مشایخ از اهل بیت رسالت، سیف سنت و جمال طریقت و معبر اهل معرفت و مزین ارباب صفوه جعفر بن محمد الصادق علیه السلام است علیهما السلام. عالی حال و نیکو سیرت و آراسته ظاهر و آبادان سریرت بود. وی را اشارت نیکوست در جمله ی علوم، و مشهور است در میان مشایخ به دقت کلام و قوت معانی.

و وی را کتب معروف است در میان اهل طریقت. از وی روایت کردند که گفت: «من عرف الله أعرض عما سواه» عارف معرض بود و منقطع از اسباب، از خلق گسسته و به دوست پیوسته، غیر از در دلش آن مقدار نباشد که بدو التفات کند.

[صفحه ۳۶۳]

و از آن حضرت خرق عادات و کرامت بسیار منقول است از آن جمله آن که از «حسین بن زید» مروی است که گفت: ابو عبدالله علیه السلام را گفتم: مرا خبر ده از آنچه خدای تعالی، «ابراهیم» علیه السلام را گفت (أولم تؤمن قال: بلی و لکن لیطمئن قلبی) (بقره، ۲۶۰)

گفت: می خواهی که همان طور تو را نمایم؟

گفتم: آری یابن رسول الله.

آن حضرت آواز کرد که: یا باز یا غراب یا طاوس یا حمامه این مرغان را دیدم در پیش وی حاضر گشتند، پس آن حضرت کاردی بر گرفت و ایشان را ذبح کرد و بهم برآمیخت آنکه چهار جزء کرد، بعد از آن گفت: یا باز یا غراب یا طاووس، یا حمامه دیدم که بعضی از آن نزدیک بعضی شد تا همچون ماهیت اول گردیدند، آنکه گفت دیدی مثل آن که حضرت ابراهیم را روی نموده بود؟ گفتم: بلی یابن رسول الله ...

روایت کرده اند به اسناد از «احمد بن النصر» از «عبدالله بن ابی لیلی» که او گفت: ابوجعفر الدوانیق کس به نزد امام صادق علیه السلام فرستاده بود وی را بیاورند و مرا نیز طلبیده بود، و من اتفاقاً پیش از آن حضرت نزد دوانیق حاضر شدم و او اضطراب می نمود و می گفت: تعجیل کنید و بیاورید وی را. خدا مرا بکشد اگر من

وی را نکشم. خدای زمین را از خون من سیراب کند اگر من زمین را از خون وی آب ندهم. من از حاجب پرسیدم که: وی چه کسی را می خواهد و این شدتش به واسطه ی کیست؟ گفت: جعفر بن محمد الصادق. در این سخن بودیم که مأمورین وی را درآوردند. وی لب مبارک خود را می جنبانید. پس چون ابوجعفر الدوانیق بدو نگریست گفت: مرحبا یا ابن عمی مرحبا یا ابن رسول الله. و او را نزدیک به خود بر بالش خود بنشانند آنگه طعام خواست و به دست خود الوان اطعمه پیش وی می نهاد. انواع نوازش به جای آورد و آن حضرت رخصت طلبیده به منزل خود باز گردانید. چون وی بیرون آمد، گفتم: فدای تو کردم این مرد قصد کشتن تو داشت و چون تو درآمدی لب می جنبانیدی، شک نکنم که دعا می خواندی، اگر صلاح باشد که آن را به من هم بیاموزید که من از محبان

[صفحه ۳۶۴]

مخلص شما هستم تا چون پیش ایشان شوم من نیز آن بخوانم که مبتلا شده ام به خدمت ایشان فرمود که: آری آن دعا این است:

«ما شاء الله؛ ما شاء الله؛ لا یأتی بالخیر الا الله؛ ما شاء الله ما شاء الله لا یصرف السوء الا الله؛ و ما شاء الله ما شاء الله کل نعمه فمن الله؛ ما شاء الله لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم» [۳۲].

احمد بن یوسف القرمانی ابوالعباس (متوفی ۱۰۱۹)

مؤلف کتاب «اخبار الدول و آثار الاول» می گوید:

«نقل عنه من العلوم ما لم ینقل عن غیره و کان رأساً فی الحدیث. روی عنه یحیی بن سعید و ابن جریح و مالک بن انس و الثوری و ابن عیینه

و ابوحنیفه و شعبه و ابویوب السجستانی و غیر هم ... نقل ان کتاب الجفر الذی بالمغرب يتوارثه بنو عبدالمؤمن له و مناقبه کثیره» [۳۳].

«آن قدر که از امام صادق علیه السلام نقل علم شده، از دیگران نشده است او در حدیث به منزله ی سر بود و از او «یحیی بن سعید و ابن جریح و مالک بن انس و سفیان ثوری و ابن عیینه و ابوحنیفه و ابویوب سجستانی» و غیر اینها روایت کرده اند. نقل است کتاب «الجفر» که در مغرب «بنو عبدالمؤمن» از همدیگر به ارث می برند، از آن حضرت است و مناقب او زیاد است»

[صفحه ۳۶۵]

جمال الدین الداوردی

می نویسد:

«جعفر الصادق له عمود الشرف و مناقبه متواتره بین الأنام، مشهوره بین الخاص و العام و قصده المنصور الدوانیقی بالقتل مرارا فعصمه الله» [۳۴].

«جعفر صادق ستون شرف و مناقبش به طور متواتر در میان مردم منتشر شده است چنان که خاص و عام از آن آگاه بودند. منصور چندین مرتبه تصمیم بر قتل او گرفت ولی خداوند او را حفظ کرد».

سید امیر علی هندی

«سید امیر علی» ضمن اشاره به گسترش علم در زمان امام صادق علیه السلام می نویسد:

«و لا يفوتنا أن نشير إلى أن الذي تزعم تلك الحركة: هو حفيد علي بن ابي طالب المسمى بالإمام الصادق و هو رجل رحب افق التفكير بعيد اغوار، ملم كل الالمام بعلوم عصره، و يعتبر في الواقع انه اول من اسس المدارس الفلسفيه المشهوره في الإسلام و لم يكن يحضر حلقة العلميه اولئك الذين اصبحوا مؤسسي المذاهب الفقيهيه فحسب، بل كان يحضرها طلاب الفلسفه و المتفلسفون من الانحاء القاصيه».

«شایان ذکر است که رهبری این حرکت فکری را که در حوزه ی علمی شکل گرفته بود، یکی از نواده های علی بن ابی طالب علیه السلام به نام امام جعفر صادق علیه السلام داشت. او پژوهشگری فعال و متفکری بزرگ بوده و با علوم عصر خود به خوبی تبحر و آشنائی داشت. او نخستین کسی بود که مدارس فلسفی مشهور در اسلام را تأسیس کرد.

در مجلس درس او، تنها کسی که بعدها مذاهب فقهی را تأسیس کردند، شرکت نمی کردند، بلکه فلاسفه و طلاب حکمت و دانش از مناطق دور دست در آن حاضر می شدند».

«حسن بصری» مؤسس مکتب فلسفی «بصره» و «واصل بن عطا» مؤسس مذهب معتزله از شاگردان او بودند که

از زلال چشمه ی دانش او سیراب

[صفحه ۳۶۶]

می شدند [۳۵].

ابوالمظفر یوسف شمس الدین

معروف به «سبط ابن جوزی» (قز اوغلی)

«محمد بن یوسف» فقیه شافعی، نحوی، اصولی، ریاضی، منطقی، معروف به «خطیب جزری» درباره ی امام چنین می نویسد:

«جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن ابی طالب و کنیته ابو اسماعیل و یلقب بالصادق و الطاهر و الفاضل، و أشهر القابه الصادق» [۳۶].

«جعفر بن محمد بن ... کنیه اش «ابو اسماعیل» و ملقب «صادق» و طاهر و فاضل و مشهورترین القابش «صادق» است .

شیخ ابو عبدالرحمن السلمی (متوفی ۴۱۲ هـ)

«محمد بن حسین بن محمد بن موسی»، محدث بزرگ و یکی از حفاظ اهل سنت و صوفی مشرب مؤلف کتاب «تفسیر حقائق و طبقات مشایخ» درباره ی امام صادق علیه السلام می نویسد:

«ان الإمام جعفر الصادق فاق جميع أقرانه و هو ذو علم غزير في الدين و زهد بالغ في الدنيا، و ورع تام عن الشهوات و أدب كامل في الحكمة» [۳۷].

«امام جعفر صادق علیه السلام بر تمام اقران خود برتری داشته و دارای دانش وسیعی در پیرامون مسائل دینی و زهد فراوان نسبت به مسائل دنیوی و ورع کامل در مقابل شهوات و ادب کامل در حکمت بود» .

[صفحه ۳۶۷]

احمد حسن الباقوری

صاحب کتاب «علی إمام الأئمة» درباره ی امام صادق علیه السلام می گوید:

«و أما أبو حنیفه و صاحبه أبو یوسف و محمد فقد اخذوا عن جعفر الصادق علیه السلام» [۳۸].

«اما ابوحنیفه و دو مصاحبش ابو یوسف و محمد هر دو از جعفر صادق علیه السلام اخذ علم کرده اند» .

شهاب الدین محمد بن احمد الابشهی (متوفی ۸۵۰ هـ)

مؤلف کتاب «المستطرف فی کل فن مستطرف» می گوید:

«حکى عن جعفر الصادق رضى الله عنه ان غلاما له وقف يصب الماء على يديه فوق الإبريق من يد الغلام فى الطست، فطار الرشاش فى وجهه فنظر جعفر إليه نظر مغضب، فقال: يا مولاي (و الكاظمين الغيظ) قال: قد كظمت غيظى. قال (و العافين عن الناس) قال: قد عفوت عنك. قال: (و الله يحب المحسنين) قال: إذهب فأنت حر لوجه الله تعالى» [۳۹].

«از جعفر صادق عليه السلام حکایت شده که آن حضرت غلامی داشت روزی این غلام ایستاده و بر دستهای آن حضرت آب می ریخت ناگهان آفتابه از دست غلام به تشت افتاد و آب تشت به صورت امام پاشیده شد، امام با حالت غضب به روی غلام نگاه کرد. غلام گفت: ای مولای من، خداوند در قرآن فرموده است: (مؤمنان کسانی هستند که غیظ خود را فرو می نشانند) امام

[صفحه ۳۶۸]

فرمود: غیظ خود را برو نشاندم. غلام گفت: (و از مردم عفو می کنند) امام فرمود: تو را عفو کردم. باز غلام است: (خداوند احسان کنندگان را دوست دارد) فرمود: برو تو در راه خدا آزادی» .

محمد أمين البغدادي السويدي (متوفى اوائل قرن سيزدهم)

از فضلالی بغداد مؤلف کتاب «سبائك الذهب فى أنساب العرب» یا «فى معرفه قبائل العرب» درباره ی امام صادق علیه السلام می گوید:

«جعفر الصادق كان من بين اخوته خليفه أبيه و وصيه، نقل عنه من العلوم ما لم ينقل عن غيره و كان اماما فى الحديث، مناقبه كثيره» [۴۰].

«امام صادق علیه السلام از میان برادران خود جانشین پدر و وصی او بود و علوم بسیاری از او نقل شده که از هیچ کس به آن درجه نقل نشده و در علم حدیث

پیشوای محدثین بوده و مناقب و فضائلش بسیار است» .

عبدالحی بن العماد الحنبلی (متوفی ۱۰۸۹ هـ)

صاحب کتاب «شذرات الذهب فی أخبار من ذهب» می نویسد:

«الإمام سلاله النبوه، ابو عبدالله جعفر الصادق بن محمد الباقر بن زین العابدین بن علی بن الحسین الهاشمی العلوی. و قد ألف تلمیذه جابر بن حیان الصوفی کتابا فی ألف ورقه يتضمن رسائله. و هی خمسمأه هو عند الإمامیه من الإثنی عشر بزعمهم.

قیل: إنه سأل أباحنیفه عن محرم کسر رباعیه ظبی. فقال: لا أعرف جوابها.

فقال: أما تعلم أن الظبی لا یكون له رباعیه» [۴۱].

[صفحه ۳۶۹]

«امام، سلاله ی نبوت، ابو عبدالله جعفر بن محمد صادق ... هاشمی علوی که شاگردش جابر بن حیان کتابی تألیف کرده است در هزار ورق مشتمل بر پانصد رساله از امام صادق علیه السلام می باشد. او به گمان امامیه یکی از ائمه ی دوازده گانه است.

گفته شده آن حضرت از ابوحنیفه از حکم محرمی سؤال کرد که چهار دندان رباعی گوزنی را (که میان ثنایا و انیاب باشد) شکسته باشد.

ابوحنیفه گفت: جواب آن را نمی دانم. حضرت صادق علیه السلام فرمود: تو نمی دانی که گوزن دندان رباعی ندارد؟» .

عبدالرحمن الشرقاوی

در وصف امام صادق علیه السلام می نویسد:

«لم یجمع الناس علی حب أحد فی ذلك العصر كما اجمعوا علی حب الإمام جعفر بن محمد الذی اشتهر فیهم باسم جعفر الصادق. ذلك انه كان صافی النفس؛ واسع الأفق؛ متوقد الذهن؛ کبیر القلب؛ حاد البصیره؛ ضاحک السن؛ عذب الحدیث؛ حلو المعشر؛ سباقا إلى الخیر؛ برا؛ طاهرا؛ و كان صادق الوعد و كان تقیا هو من العتره الطاهره عتره رسول الله صلی الله علیه و آله علی وجهه شعاع من نور النبوه و هو مع انشغاله بكل ذلك - دعوه إلى الوحدانیه فالإسلام بالحکمه و الموعظه الحسنه.

كان يتحرى أحول الناس و یحمل علی کتفه جرابا فيه

طعام و مال فیوزعه علی أصحاب الحاجه دون أن یدع أحدا یعرف علی من یتصدق..» [۴۲].

«مردم عصر آن حضرت در محبت و دوستی مانند امام صادق علیه السلام توافق نداشتند و او در میان مردم به اسم «جعفر صادق» شهرت داشت زیرا ذاتش صاف، افق فکرش وسیع، ذهنش روشن، قلبش بزرگ، بینایش حاد، - یعنی بسیار نازک بین - چهره اش خندان، و خوش

[صفحه ۳۷۰]

صحبت و خوش برخورد، و به کارهای خیر و نیکوکاری سبقت می جست پاکیزه و صادق الوعد و پرهیزگار و از عترت پاک رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و در چهره اش شعاعی از نور نبوت مشاهده می شد با وجود گرفتاری زیاد، مردم را به توحید و اسلام با حکمت و موعظه حسنه فرا می خواند. او هرگز از حال مردم غافل نبود و همواره روی شانه ی خود کیسه ای پر از طعام و مال کرده و آن را حمل و در میان مستمندان توزیع می نمود بدون این که آنها را شناسائی کند.

مردم را از انتقام جوئی بر حذر می داشت و فضیلت عفو و گذشت را به آنها گوشزد می کرد و قول جدش رسول خدا را یادآور می شد که فرمود: «ما زاد عبد بالعفو الا عزا» در اثر عفو، عزت انسان زیاد می شود.

او در آسمان معرفت اوج می گرفت و در مشکلات علمی غور می نمود شخصیت والایی او اشعار می داشت که او قویتر از خلیفه است زیرا کدام خلیفه و ملک در روی زمین در دوران حکومتش به مردم نفع و فائده رسانده است. پیوسته می فرمود: «من طلب الرئاسة هلك» هر کس در طلب

ریاست باشد، هلاک می شود. پیوسته ریاست او را طلب می کرد ولی او از ریاست گریزان بود.

شیخ یوسف بن اسماعیل النبهانی (۱۳۵۰ - ۱۲۶۵)

مؤلف کتاب «جامع کرامات الأولیاء» می نویسد:

«جعفر الصادق علیه السلام أحد أئمة ساداتنا آل البيت الكبار كان رضى الله عنه إذا احتاج إلى شىء قال: يا رباه، انا محتاج إلى كذا. فما يستتم دعاؤه الا و ذلك الشىء بجنبه موضوعا. قاله الشعرانى» [۴۳].

«جعفر صادق یکی از ائمه ی اهل بیت کبار می باشد و هرگاه محتاج چیزی می شد می گفت: پروردگارا به فلان چیز احتیاج دارم و دعایش تمام نشده آنچه خواسته بود، در کنارش نهاده شده

[صفحه ۳۷۱]

بود. این مطلب را شعرانی در «لواقح الأنوار» نوشته است.

شیخ محمد بن علی بن زین العابدین مناوی قاهری شافعی (۱۰۳۱ - ۹۵۲ هـ)

ملقب به «عبدالرؤوف» مؤلف کتاب «کنوز الحقائق فی حدیث خیر الخلائق» می نویسد:

«من کراماته انه سعى به عند المنصور، فلما حج أحضر الساعى و أحضره و قال للساعى: اتحلف؟ قال له: نعم. فقال جعفر للمنصور: حلفه بما أراه فقال: حلفه، فقال: قل برأت من حول الله و قوته و التجأت إلى حولى و قوتى، لقد فعل جعفر كذا و كذا. فامتنع الرجل، ثم حلف، فما تم حتى مات مكانه.

و منها: ان بعض البغاه قتل مولاہ، فلم يزل ليلته يصلى، ثم دعا عليه عند السحر فسمعت الضججه بموته.

و منها: انه لما بلغه قول الحكم بن العباس الكلبي فى عمه زيد:

صلبنا لكم زيدا على جذع نخله

و لم نر مهديا على الجذع يصلب

قال: اللهم سلط عليه كلبا من كلابك، فافترسه الأسد» [۴۴].

«از کرامات حضرت صادق علیه السلام یکی این است که مردی پیش منصور از آن حضرت سعایت کرده بود منصور که ضمن یک سفر حج به مدینه آمده بود، سخن چین و حضرت صادق را احضار کرد و به سخن چین گفت: آیا حاضری قسم بخوری؟ گفت: آری. حضرت صادق علیه السلام به منصور فرمود:

او را آن چنان که من می گویم، قسم بده. منصور گفت: خودت قسم بده. حضرت صادق علیه السلام به آن شخص سخن چین فرمود: بگو از حول و قوه ی الهی خارج و به حول و قوه ی خود متکی شدم بر اینکه جعفر بن محمد این چنین گفته است. آن شخص اول امتناع کرد، سپس

[صفحه ۳۷۲]

قسم خورد قسمش هنوز به پایان نرسیده بود که هلاک شد.

از جمله کرامات آن حضرت این است بعضی از ستمکاران غلام او را کشت حضرت طول شب را نماز خواند، سپس به هنگام سحر آن قاتل غلام را نفرین کرد، دعایش تمام نشده بود که آن شخص مرد.

دیگر اینکه چون سخن «حکم بن عباس کلبی» (شاعر بنی امیه) درباره ی عمویش زید، به گوش او رسید که گفته بود:

از خانواده ی شما زید را از شاخه ی درخت خرما، دار زدیم ما هرگز هیچ مهدی که بر شاخه ی درخت آویزان شود، ندیده بودیم. حضرت صادق علیه السلام فرمود: پروردگارا سگی از سگهایت را بر وی مسلط گردان. طولی نکشید که شیری او را از هم درید. .

عبدالعزیز سید الأهل

صاحب کتاب «جعفر بن محمد الإمام الصادق» عضو المجلس الأعلى للشؤون الإسلامیه فی القاهره: درباره ی آن سلاله ی رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین آورده است:

«جعفر بن محمد غیر آن کان اماما مفخره من مفاخر المسلمین لم تذهب، أو لم تطمس و إنما بقی منها فی کل غد قادم - حتی القیامه - صوت صارخ من حروفها، یعلم الزهاد زهدا و یکسب العلماء علما، یهدی المضطرب و یشجع المقتحم یهدد الظلم و ینبئ العداله و هو ینادی المسلمین جمیعا أن هلموا و اجتمعوا» [۴۵].

«جعفر بن محمد افزون بر آنچه

مقام امامت داشت، افتخاری از افتخارات مسلمانان بود او هرگز از میان نرفته، تباه نشده است، بلکه فریاد او هر روز تا قیامت در گوش مسلمانان به صدا در می آید. زاهدان را زهد و عالمان را علم تعلیم می داد. مضطرب و آشفته را هدایت و شتاب

[صفحه ۳۷۳]

کننده را تشجیع و ترغیب می فرمود ظلم را ویران و عدالت را بنیاد می کرد او تمام مسلمانان را به وحدت و همبستگی دعوت می کرد»

«و قد عاش جعفر فی حیاة أبیه الباقر علیه السلام نحواً من ثلاثین سنه فتطبع بصفات أبیه زهداً و فضلاً و محبه للعلم و ایثاراً له علی الزهد و العباده و تعلم منه و من جده زین العابدین أن یطعم الطعام حتی لا یبقی لعیاله کسره و ان یکسوا الثیاب حتی لا تبقی لهم کسوه» [۴۶].

«حدود سی سال با پدرش امام باقر علیه السلام زندگی کرد و خود را با صفات نیکوی او آراست. از پدرش و جدش زین العابدین آموخت که فقرا را اطعام کند تا آنجا که لقمه نانی برای اهل و عیال خود باقی نماند و بر آنان لباس بپوشاند تا آن حد که به عائله ی خود لباسی باقی نماند» .

«فلقب بالصادق و الفاضل و الظاهر و العالم و أشهرها الصادق. تلقیه بالصادق علی أفواه الناس جمیعاً، لم یستثن أحد من أصحابه، أو خصومه لم یلقبه به کان هناك إجماع تام لا خرق فیه، علی تلقیب جعفر بن محمد بالصادق و صار له فی الزمان کله علما یعرف به».

إنما سمی بالصادق لأنه کان أكثر الناس صدقاً و کان فی صدقه خالص الصراحه لا یبالی أحداً، من أهله أو من غیر أهله متی

نطق بالحق و مع أنه لم يقل الا ما اعتقد انه الحق و لم يعمل الا ما رآه حقا فانه لم يقبل من أحد قولاً، أو عملاً الا و الصدق بين فيه» [۴۷].

«ملقب به صادق، فاضل، ظاهر، عالم و ... گردید که مشهورترین آنها «صادق» بود و در میان عموم مردم اعم از دوست و دشمن به «صادق» ملقب شده بود و این لقب برای او مورد اجماع و اتفاق قرار گرفته بود چنان که در میان تمام مسلمانان اجماعی بود و کسی با این اجماع مخالف نبود.

[صفحه ۳۷۴]

اطلاق لقب صادق به آن حضرت به گونه ای بود که به نظر می آید صادق نام او است نه لقبش زیرا مردم برای وی نامی جز صادق نمی شناختند.

به این جهت «صادق» نامیده شده که در صدق گفتار کسی به پای او نمی رسید و در صدق چنان خالص و صریح که در اظهار حق از هیچ کسی پروا نداشت جز حق بر زبان جاری نمی ساخت و جز به آن به چیزی عمل نمی کرد و قول و عمل کسی را قبول نمی نمود مگر این که راست باشد صدق و راستی معیار و میزان او بود» .

«كان جعفر بن محمد اماما في كل العلوم [۴۸] و في رحله لجابر بن حيان الى الكوفة كان اتصاله بجعفر فلزمه تلميذا و صديقا و تلقى عند هذه الصنعة - الكيمياء -» [۴۹].

«جعفر بن محمد در تمام رشته های علوم امام و پیشوا بود. جابر بن حیان در سفری به کوفه با جعفر بن محمد ملاقات نمود و به عنوان شاگرد و دوست ملازم آن حضرت شد و این فن - کیمیا - را از او

احمد عبدالجواد الدومی

صاحب کتاب «الاتحافات الربانیة بشرح الشمائل المحمدیه» [۵۰] می نویسد:

«جعفر بن محمد لقب بالصادق لکمال صدقه ... کانت له مواعظ جلیله و نصائح عالیه. قال یوما لسفیان الثوری: إذا أنعم الله علیک بنعمه فاجبیت بقائها فأكثر من الحمد و الشکر علیها و إذا استبطأت الرزق فأكثر من الاستغفار و إذا اکربک أمر من سلطان و غیره فأكثر من ذکر لا حول و قوه الا بالله فانها جناح الفرج و کثر من کنوز

[صفحه ۳۷۵]

الجنه» [۵۱].

«جعفر بن محمد به خاطر این که در صدق و راستی کامل بود، ملقب به «صادق» شده بود آن حضرت را مواعظ و نصائح گرانبھائی بود از آن جمله:

روزی به سفیان ثوری فرمود: وقتی خداوند نعمتی به تو ارزانی داشت، و تو علاقمند به بقای آن بودی، حمد و شکر خدا را زیاد به جای آور و اگر در روزیت تأخیری دیدی، زیاد استغفار کن و اگر امری از سلطان و غیره تو را ناراحت کرد، «لا حول و لا قوه ...» را زیاد بگو زیرا آن ذکر بال فرج و گنجی از گنجهای بهشت است» .

صالح بن محمد الحجازی

«علم من أعلام الإسلام و سید من سادات المسلمین ... فهو الإمام الذی اتفق المسلمون علی اختلاف طوائفهم و تعداد مذاهبهم علی امامته و ورعه و تقاه و اثنوا علیه و مدحوه و أحبوه لفضله و زهده و علمه و قرابته من الرسول فهو شریف النسب أبا و أما، فأبوه محمد الباقر عالم آل البيت فی عصره و سید بنی هاشم، و جده علی زین العابدین بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام.

تصدر للتدریس و نشر العلم فأخذ عنه خلق کثیر، فروى عنه ساده الامه و

خيارها امثال سفیان الثوری و ابن عیینہ و سلیمان بن بلال و ابن ابی حاتم و ابی حنیفہ و مالک، و ابن جریح و شعبه و ولده موسى الكاظم. و احتج به سائر الأئمة ما عدى البخارى و وثقوه فقد قال ابن معين عنه: ثقہ مأمون و قال ابن عدی: و هو من ثقاه الناس. قال فى التهذيب: و قال عمرو بن المقدم: كنت إذا نظرت الى جعفر بن محمد علمت أنه من سلاله النبیین و اثنى عليه شيخ الإسلام ابن تيميه فى منهاج السنه و قال عنه: انه من خيار أهل الفضل و الدين و قال السخاوى: كان من سادات أهل البيت

[صفحه ۳۷۶]

فقها علما و فضلا و جودا يصلح للخلافه لسؤدده و فضله و علمه و شرفه ...

و كان فقيها سديدالرى قال عنه ابوحنيفه: ما رأيت أفقه منه. و قال عنه مالك: اختلفت اليه زمانا فما كنت أراه الا مصليا او صائما او قائما و ما رأيت يحدث الا على طهاره» [۵۲].

«جعفر بن محمد، پیشوائى است از ائمه ی اسلام و بزرگى است از بزرگان مسلمين. او امامى است كه تمامى طوائف و فرقه هاى مسلمين بر امامت و ورع و تقواى او اتفاق دارند و او را توثيق و مدح کرده و به خاطر فضل و زهد و علم و قرابتش به رسول خدا صلى الله عليه و آله او را دوست مى دارند، نسبت او هم از طرف پدر و هم از طرف مادر شريف است پدرش محمد باقر عالم اهل بيت در عصر خود و بزرگ بنى هاشم و جدش زين العابدين فرزند حسين بن على عليه السلام مى باشد. اقدام به تدريس و نشر علم نمود.

جمع کثیری از او علم اخذ کردند و بزرگان و نیکان امت از قبیل: سفیان ثوری، ابن عینه، سلیمان بن بلال، و ابن ابی حازم و ابوحنیفه، مالک و ابن جریح و شعبه و فرزندش موسی کاظم، از او روایت حدیث کرده اند و سایر ائمه به جز بخاری، به روایت او استناد کرده و او را توثیق نموده اند. ابن معین درباره ی او گفته: موثق و مورد اعتماد است. ابن عدی گوید: او از موثقین مردم است در تهذیب التهذیب از عمرو بن مقدم نقل کرده که گوید: هر وقت به جعفر بن محمد نگاه می کردم می فهمیدم که او از سلاله ی پیامبران است. شیخ الإسلام ابن تیمیه در کتاب منهاج السنه او را مدح کرده و گفته: او برگزیده ی اهل فضل و دین است. سخاوی می گوید: او از لحاظ فهم و علم و فضل و جود از بزرگان اهل بیت و به خاطر سیادت و فضل و علم و شرفش شایسته ی خلافت بود. او فقیهی است دارای رأی محکم و ابوحنیفه درباره ی او گفت: کسی فقیه تر از وی ندیدم و مالک در حق او گفت: زمانی که به خدمت ایشان رفت و آمد داشتیم، او را نمی دیدم مگر در حال نماز، یا روزه یا قیام او همواره با طهارت حدیث می فرمود.

[صفحه ۳۷۷]

احمد بن تیمیه الحرانی (متوفی ۷۲۸ هـ)

بنیانگذار مسلک وهابیت. مؤلف کتاب «منهاج السنه النبویه فی نقد کلام الشیعه و القدریه» که در رد کتاب «منهاج الکرامه فی معرفه الإمامه» ابن مطهر نوشته است، چنین می گوید:

«جعفر الصادق رضی الله عنه من خیار أهل العلم و الدین» [۵۳].

«جعفر صادق رضی الله عنه از برگزیدگان اهل علم و

دین است» .

یوسف بن تغری بردی بن عبدالله الظاهری الحنفی ابو المعاسن جمال الدین (۸۷۴ – ۸۱۳)

مؤلف کتاب «النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره» [۵۴] می گوید: «جعفر الصادق بن محمد الباقر علیه السلام السید أبو عبدالله الهاشمی العلوی الحسینی المدنی؛ و كان یلقب بالصابر و الفاضل و الطاهر؛ و أشهر القابه الصادق. حدث عنه أبو حنیفه و ابن جریح و شعبه و السفیانان و مالک و غیرهم» [۵۵].

«ابو عبدالله جعفر صادق فرزند محمد باقر علیه السلام، امام، هاشمی علوی حسینی و مدنی به «صابر» و «فاضل» و «طاهر» ملقب بود که مشهورترین آنها «صادق» است و از او ابوحنیفه و ابن جریح و شعبه و سفیان ثوری و سفیان بن عیینه و مالک و غیر اینها روایت کرده اند» .

[صفحه ۳۷۸]

میر شمس الدین محمد سامی الارنبوری الرومی (متوفی ۱۳۲۲ هـ)

مؤلف «قاموس الأعلام» ترکی در تاریخ جغرافیا و اسماء خاص در این باره چنین گفته:

«جعفر صادق فرزند محمد باقر بن زین العابدین بن حسین به علی بن ابیطالب، ششمین امام از ائمه ی دوازده گانه است. مادرش «ام فَرَوَه» دختر «قاسم بن محمد بن ابوبکر» می باشد و در سال ۸۲ در مدینه منوره تولد یافت او فرزند ارشد امام محمد باقر علیه السلام است او در نزد پدرش که در علم و فضل فرید زمان خود بود، تلمذ نمود و حوزه ی تدریس پدرش را ادامه داد و از او امام أعظم «ابوحنیفه» استفاده ها کرد. امام صادق علیه السلام ید طولائی در علم جفر و کیمیا داشت و از جمله کسانی که در محضر او تلمذ نموده، مؤسس علم کیمیا «جابر بن حیان» بود. او در زهد و تقوی و قناعت و حسن اخلاق نظیر نداشت و به راستی لقبش «صادق» نامیده شد. در سال ۱۴۸ در حالی که ۶۵ سال از عمرش می گذشت، در مدینه به

درود حیات گفت و در جوار جد و پدرش دفن گردید. صاحب ترجمه به امام مذهب شیعه و پیروانش «جعفری» معروف شدند [۵۶].

علی بن سلطان محمد الهروی القاری الحنفی (نورالدین) (متوفی ۱۰۱۴)

می گوید:

«جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب الهاشمی المدني المعروف بالصادق. أمه «ام فَرَوَه» بنت «القاسم بن محمد بن ابی بکر» ... متفق علی امامته و جلالته» [۵۷].

«جعفر بن محمد صادق فرزند علی بن حسین بن علی بن ابیطالب هاشمی مدنی معروف به «صادق» که مادرش «ام فَرَوَه» دختر «قاسم بن محمد بن ابی بکر» بود. امامت و جلالتش مورد اتفاق همگان است» .

[صفحه ۳۷۹]

خیرالدین الزرکلی

مؤلف «الأعلام» قاموس تراجم (معاصر) می نویسد:

«جعفر الصادق أبو عبدالله جعفر بن محمد الباقر بن زین العابدین بن الحسین السبط الهاشمی القرشی، سادس الائمة الإثنی عشر عند الإمامی: . كان من أجل التابعین و له منزله رفیعہ فی العلم أخذ عنه جماعه منهم: أبوحنیفه؛ مالک و جابر بن حیان و لقب بالصادق لأنه لم يعرف عنه الكذب قط، له اخبار مع الخلفاء من بنی العباس و كان جرئیا علیهم صداعا فی الحق و صنف تلمیذه جابر بن حیان کتابا فی ألف ورقه يتضمن (رسائل الإمام جعفر الصادق) و هی خمس مائة رساله مولده و وفاته بالمدينه» [۵۸].

«جعفر صادق ابو عبدالله فرزند محمد باقر فرزند زین العابدین فرزند حسین سبط رسول خدا صلی الله علیه و آله هاشمی و قرشی، ششمین امام از ائمه ی دوازده گانه نزد امامیه است. او از بزرگان تابعین بود و مقام بلندی در علم داشت جماعتی از او علم آموخته اند که از جمله ی آنها: ابوحنیفه، مالک، جابر بن حیان و ... ملقب به «صادق» است برای این که هرگز دروغی از او شنیده نشد. او را خلفای بنی عباس داستان هائی است و نسبت به آنها جری بود حق را آشکارا می گفت. شاگردش جابر بن حیان کتابی در

هزار ورقه تألیف کرد که متضمن رسائل امام جعفر صادق بود و آنها پانصد رساله بودند، تولد و وفات او مدینه بود.

سید مؤمن بن سید حسن مؤمن شبلنجی شافعی (متولد ۱۲۵۰ هـ)

«شبلنجی» به قریه ی شبلنج از دهات مصر منسوب و از اکابر علمای عامه در اوائل قرن چهاردهم هجری می باشد و کتاب «نور الأبصار فی مناقب آل بیت النبی المختار» که مکرر در قاهره چاپ شده از آن اوست.

[صفحه ۳۸۰]

وی درباره ی امام صادق علیه السلام می گوید:

«مناقب آن حضرت به قدری زیاد است که نمی شود آنها را به شمار آورد و در انواع مناقب او مردم باهوش و نویسندگان زبردست دچار حیرت شده اند و «کان جعفر الصادق مستجاب الدعوه إذا سأل الله شیئا لا یتم قوله الا و هو بین یدیه» [۵۹].

«او مستجاب الدعوه بود چنان که هر وقت از خدا چیزی می خواست، دعایش تمام نشده آنچه خواسته بود، در برابرش حاضر بود» .

محمد بن عبدالباقی زرقانی (متوفای ۱۱۲۲ هـ)

از محدثین مالکی و به «خاتمه المحدثین» موصوف است و کتاب «المواهب اللدنیه فی شرح المنح المحمدیه» که به «شرح المواهب» معروف است، از تألیفات او است.

«زرقانی» در جمله ی کوتاهی می گوید:

«جعفر بن محمد أبو عبدالله فقیه صدوق» [۶۰].

«ابو عبدالله جعفر بن محمد، فقیه و بسیار راستگو است» .

عبدالله شبراوی قاهری شافعی (متوفی ۱۱۷۲ هـ)

در سال ۱۱۳۷ که جامع «ازهر» به طور رسمی به عنوان پایگاه مهم و مرکز علمی مذهبی درآمد، با وجود اکابر علما شبراوی به ریاست آن مرکز برگزیده شد، کتاب «الاتحاف بحب الأشراف» از تألیفات اوست، او درباره ی امام

[صفحه ۳۸۱]

صادق علیه السلام می نویسد:

«السادس من الائمة جعفر الصادق ذو المناقب الكثيره و الفضائل الشهیره روی عنه الحدیث کثیرون مثل مالک بن انس و أبو

حنيفه و يحيى بن سعيد و ابن جريح و الثورى. ولد رضى الله عنه بالمدينه المنوره سنه ثمانين من الهجره و غرر فضائله عن
جبهات الأيام كامله و توفى رضى الله عنه سنه ۱۴۸ هـ [۶۱].

«جعفر صادق عليه السلام ششمین امام از ائمه دارای مناقب زیاد و فضائل مشهور می باشد از او بسیاری از محدثین بزرگ از
جمله: مالک بن انس، ابوحنیفه، یحیی بن سعید و ابن جریح و ثوری. حدیث نقل کرده اند. در سال ۸۰ هجری در مدینه متولد
شد و فضائل درخشانش بر پیشانی روزگار نقش بسته است. آن حضرت در سال ۱۴۸ فوت کرد.»

محمد بن محمد بن علی، شافعی جزری (متوفی ۸۳۳ هـ)

معروف به «ابن الجزری» عالم فاضل، محدث مورخ، متکلم، قاری متبحر از مشاهیر سده ی نهم. درباره امام صادق علیه السلام
می نویسد:

«جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب الهاشمی؛ أبو عبدالله الصادق المدنی أحد الأعلام حدث عن أبيه
وجه و ابی أمه القاسم بن محمد و عروه و عنه خلق لا يحصون فمنهم ابنا موسى و شعبه و السفیانان قال الشافعی و ابن معین و
أبو حاتم ثقه مات سنه ۱۴۸ هـ [۶۲].

«جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابیطالب، هاشمی، ابو عبدالله، صادق مدنی، یکی از اعلام بوده و

از پدرش و جدش و پدر مادرش قاسم بن محمد و عروه روایت کرده و از او جمعیت بی شماری از جمله دو پسر موسی و شعبه و دو سفیان روایت کرده اند. شافعی و ابن معین

[صفحه ۳۸۲]

و ابوحاتم گفته اند: جعفر بن محمد ثقه بوده و در سال ۱۴۸ فوت کرد.

دکتر احمد امین مصری (معاصر)

مؤلف «ظهر الإسلام» می نویسد:

«الإمام جعفر الصادق، فانه كان من أوسع الناس علما و اطلاعا، عاش من سنة ۸۳ إلى سنة ۱۴۸ هـ و قد لقب بالصادق لصدقه...» [۶۳].

«امام جعفر صادق وسعت علم و اطلاعه در میان مردم بی نظیر بود. از سال ۸۳ تا سال ۱۴۸ هـ زندگی کرد و به خاطر صدقش به «صادق» ملقب بود.»

السید محمد صادق

استاد دانشکده ی ادبیات در دانشگاه «قاهره» می گوید:

«كان بيت جعفر الصادق كالجامة يزدان على الدوام بالعلماء الكبار في الحديث و التفسير و الحكمه و الكلام، فكان يحضر مجلس درسه في أغلب الأوقات ألفان و بعض الأحيان أربعة آلاف من العلماء المشهورين و قد ألف تلامیذه من جميع الأحاديث و الدروس التي كانوا يتلقونها في مجلسه مجموعها من الكتب تعد بمثابة دائرة معارف للمذهب الشيعي أو الجعفري» [۶۴].

«بيت جعفر صادق مثل دانشگاه دائما از بزرگان علما در رشته های مختلف علوم چون حدیث، تفسیر حکمت، کلام، پر بود و در مجلس درسش اغلب اوقات دو هزار نفر و گاهی چهار هزار نفر از علمای مشهور حاضر می شدند. شاگردانش تمام دروس و احادیث او را در مجموعه ای از کتب جمع آوری کرده اند که به مثابه ی دائرة المعارف برای مذهب شیعه یا مذهب

[صفحه ۳۸۳]

جعفری شمرده می شود.»

بطرس بن بولس البستانی مسیحی (متوفی ۱۸۸۳ یا ۱۸۸۷ میلادی)

مؤلف دائرة المعارف که تمامی علوم متنوع را به ترتیب حروف هجی مشتمل است مؤلف در حیات خود از حرف «ألف» تا کلمه ی «تأبط شرا» از حرف «ت» در شش مجلد بزرگ جمع کرد، پسرش «سلیم» نیز تمه ی آن را تا کلمه ی «روستجق» از

حرف «رای» بی نقطه نوشته و «امین بستانی» و پسر دیگرش «نجیب» نیز تا کلمه ی «عثمانیه» نوشته اند و تا حال ۱۱ جلد بزرگ بدین ترتیب از حرف «الف» تا حرف «ع، ث» تألیف گردیده و در بیروت چاپ شده است. این دانشمند مسیحی درباره ی امام صادق علیه السلام نوشته است:

«جعفر الصادق و هو ابن محمد الباقر بن علی زین العابدین کان من سادات أهل البيت و لقب بالصادق لصدقه، و فضله عظیم، له مقالات فی صناعات الکیماء و الزجر

و الفال و كان تلميذه جابر بن حيان قد ألف كتابا يشتمل على ألف ورقة تتضمن «رسائل الصادق» و هي خمسمائة رسالة، اليه ينسب كتاب الجفر. و كان جعفر ادبيا تقيا دينا حكيما في سيرته» [٦٥].

«جعفر صادق پسر محمد باقر بن علی زین العابدین، از بزرگان اهل بیت است و به خاطر صدق و راستی اش، به «صادق» ملقب شده و از نظر فضیلت در بالاترین مراحل آن قرار داد و او را مقالاتی در علم کیمیا - شیمی - و زجر و فال است. شاگردش «جابر بن حیان» کتابی تألیف نموده در حدود هزار ورقه که متضمن رسائل آن حضرت است. که آنها مجموعا پانصد رساله می باشد کتاب جفر نیز به او منسوب است. جعفر بن محمد در سیرت خود ادیبی پرهیزگار و دیندار حکیم بود» .

[صفحه ٣٨٤]

دکتر کامل مصطفی شیخی (معاصر)

دکتر در فلسفه از دانشگاه کمبریج انگلستان» و استاد دانشگاه «بغداد» و مؤلف کتاب «الصله بین التصوف و التشیع» درباره ی امام صادق علیه السلام می گوید:

«از تحقیق در احوال امام جعفر صادق روشن می شود که مردم به دلیل علم فراوانش و به سبب روی آوردن بسیاری از دانش پژوهان به سوی او و داشتن نسب شریف علوی، همه علوم و معارف زمانش را به وی نسبت داده اند و این عجیب نیست زیرا چنان که از این پیش دیدیم تمام علوم اسلامی منتهی می شود به جدش علی بن ابیطالب علیه السلام از علومی که به وی نسبت داده شده است، گفتاری است درباره ی کیمیا و زجر و فال. همچنین کتاب جفری را که «ابن خلدون» از آن خبر داده است. [٦٦].

«دکتر شیخی» در پایان می گوید:

«آنچه قابل ملاحظه است، آن

است که امام جعفر صادق علیه السلام استاد نخستین کسی بوده است که به کار کیمیا شهرت یافته است [۶۷].

پاورقی

[۱] تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۱۰۴.

[۲] المجالس السنیة، ج ۵ - التوسل و الوسيلة ابن تیمیة، ص ۵۲.

[۳] تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۸۸ طبع و بیروت.

[۴] صورتان متضادتان، ص ۹۶، طبع هند.

[۵] قاضی نعیم، شرح الاخبار دنباله ی ۴۲ الف م، س. ذهبی تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۱۶۶.

[۶] مناقب ابی حنیفه، للموفق، ج ۱، ص ۱۷۳ - جامع اسانید ابی حنیفه، ج ۱، ص ۲۲۲ - تذکره الحفاظ ذهبی، ج ۱، ص ۱۵۷.

[۷] التحفه الاثنی عشریه، ص ۸.

[۸] جعفر بن محمد الامام الصادق علیه السلام ص ۱۱۰.

[۹] اسد حیدر، الامام الصادق، ج ۱، ص ۵۴.

[۱۰] وفيات الأعیان، ج ۳، ص ۲۸۰ - ۲۸۱ ش ۵۲۱ - تهذیب التهذیب، ج ۸، ص ۴۵۹ - صبح الأعشی، ج ۳، ص ۳۹۹.

[۱۱] جامع کرامات الأولیاء، ص ۵.

[۱۲] تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۱۰۴ - منهاج السنه، ج ۱، ص ۱۲۴ - ابونعیم، حلیه الأولیاء، ج ۱، ص ۱۹۳.

[۱۳] ابن خلکان، وفيات الأعیان، ج ۲، ص ۱۲۷ - ش ۲۴۲.

[۱۴] العقد الفرید، ج ۳، ص ۲۲۱.

[۱۵] تقریب التهذیب، ص ۶۸.

[۱۶] المناقب، ج ۲، ص ۳۰۲.

[۱۷] صفوه الصفوه، ج ۲، ص ۹۴.

[۱۸] الصواعق المحرقة، ص ۱۲۰.

[١٩] حليه الأولياء، ج ٣، ص ١٩٢.

[٢٠] رسائل الجاحظ، سندوبي، ص ١٠٦.

[٢١] مناهج التوسل، ص ١٠٦.

[٢٢] مطالب السؤول، ج ١، ص ٥٥.

[٢٣] ابن خلكان، وفيات الأعيان، ج ١، ص ٢٩١ - ش ١٢٨.

[٢٤] تهذيب التهذيب، ج ٢، ص ٨٩.

[٢٥] جعفر بن محمد الامام الصادق، ص ٥٧.

[٢٦] مرآة الجنان، ج ١، ص ٣٠٤.

[٢٧] ملل و نحل،

- ج ١، ص ٢٧٢، ط ٢ - ترجمه ج ١، ص ٢١٨.
- [٢٨] الجمع بين رجال الصحيحين، ج ١، ص ٧٠.
- [٢٩] عطار، تذكره الأولياء، ج ١، ص ٢٢ - ٢١.
- [٣٠] مقدمه ی ابن خلدون، ص ٣٣٤.
- [٣١] وسیله الخادم الی المخدوم، در شرح صلوات چهارده معصوم از ١٩٥ تا ٢٠٤.
- [٣٢] روضات الجنان، ج ٢، ص ٤٠٢ - ٣٩٨.
- [٣٣] اخبار الدول و آثار الاول.
- [٣٤] عمده الطالب، به نقل اسد حیدر، الإمام الصادق، ج ١، ص ٥٨.
- [٣٥] مختصر تاریخ العرب، تعریب: عقیف البعلبکی، ط ٢، بیروت، دارالعلم للملایین، ص ١٩٣.
- [٣٦] تذكره الخواص، صص ٣٥١.
- [٣٧] طبقات المشایخ الصوفیه.
- [٣٨] علی امام الأئمه، ص ٤٨.
- [٣٩] المستطرف، ج ١، ص ١٩٣.
- [٤٠] سبائك الذهب.
- [٤١] شذرات الذهب، ج ١، ص ٢٢٠.
- [٤٢] جریده الأهرام المصریه، ص ١٠، ١٨ / ٨ / ١٩٧٨.
- [٤٣] جامع کرامات الأولياء ج ٢، ص ٤.
- [٤٤] جامع کرامات الأولياء، ج ٢، ص ٥.
- [٤٥] جعفر بن محمد الإمام الصادق علیه السلام، ص ٦.
- [٤٦] جعفر بن محمد الإمام الصادق علیه السلام، ص ٢٧.

[٤٧] همان مدرک، ص ٤٠.

[٤٨] جعفر بن محمد الإمام الصادق، ص ٤٨.

[٤٩] همان مدرک، ص ٤٩.

[٥٠] طبع مصر، سال ١٣٨١ - چاپ الاتقمامه.

[٥١] الاتحافات الربانيه، ص ١٤١.

[٥٢] الوحده الإسلاميه، محمد سعيد آل ثابت، چاپ اول، ١٣٨١، مطبعه العزى الحديثه فى مجله رأيه الإسلام، تصدر فى الرياض، شمارى ٧، ص ٤٦.

[٥٣] منهاج السنه، ج ٢، ص ١٢٣، طبع مصر، ١٣٢١ هـ ق.

[٥٤] الضوء اللامع، ج ١٠، ص ٣٠٥ - شذرات الذهب، ج ٧، ص ٣١٧ - كشف الظنون، ج ٢، ص ١٩٣٢.

[٥٥] النجوم الزاهره، ج ٢، ص ٨.

[٥٦] قاموس الأعلام، تأليف شمس الدين سامى، ج ٣، ص ١٨٢١، استانبول به زبان تركى استانبولى.

[٥٧] شرح الشفا، على قارى، ج

[۵۸] الأعلام، ج ۲، ص ۱۲۶.

[۵۹] نور الأبصار، بنا به نقل اسد حیدر، الإمام الصادق، ج ۱، ص ۶۰.

[۶۰] شرح المواهب، ج ۱، ص ۵۱.

[۶۱] الاتحاف بحب الأشراف، ص ۵۴.

[۶۲] الخلاصه، ص ۷۶.

[۶۳] ظهر الإسلام، ج ۴، ص ۱۱۴.

[۶۴] به نقل اسد حیدر، الإمام الصادق، ج ۱، ص ۶۲.

[۶۵] دائره المعارف، ج ۶، ص ۴۶۸.

[۶۶] مقدمه ی ابن خلدون، ص ۳۳۴.

[۶۷] شیبی، مصطفی کامل، همبستگی میان تصوف و تشیع، ص ۱۸۹ - ۹۰، ترجمه ی دکتر علی اکبر شهبانی.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

